



مراسم رونمایی چهار کتاب منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در پنجمین نمایشگاه ملی دفاع مقدس

حسین طاهری

اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ضمن خوشامدگویی به حضاران در جلسه سخنان خود را چنین آغاز کردند: مرکز افتخار دارد که پس از گذشت نزدیک به سه دهه از جنگ همچنان درباره ابعاد و موضوعات این حادثه بزرگ قرن در جهان و مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر و بلکه تاریخ سده میانی ایران تاکنون، به بحث و پژوهش و تجزیه و تحلیل بپردازد. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس حدود ۳۳ سال پیش راه‌اندازی شد و از عملیات فتح‌المبین تا پایان جنگ، روایان در کنار فرماندهان در داخل قرارگاه‌ها و یگان‌ها حضور داشته، تحقیقات میدانی وسیعی انجام دادند و اسناد و دست‌نوشته‌های بسیاری را فراهم کردند. امروز حجم بالایی از داده‌های پژوهشی که دستاورد روایان می‌باشد و با حضور میدانی آنها در صحنه نبرد همراه بوده است، در مرکز، جمع‌آوری و نگهداری می‌شود و در پژوهش‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. مرکز چه در دهه جنگ - که تحقیقات میدانی انجام می‌داد - و چه در دوران پس از جنگ تا به امروز، هیچ‌گاه از سنت رفتاری و نظری خودش عدول نکرده و همواره انجام پژوهش‌های دفاع مقدس و پژوهش‌های مستند در بخش‌های مختلف را در دستور کار داشته است. اخیراً بخش‌های دیگری نیز به آن اضافه شده، اما هیچ‌گاه از این سنت نظری و روش عدول نکرده است. مرکز اسناد، شارح اصلی و منحصر به فرد پژوهش‌های

اشاره

آیین رونمایی چهار عنوان کتاب از انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در تاریخ ۸ مهر ۱۳۹۳ با حضور جمعی از پژوهشگران، اندیشمندان، نویسندگان و اصحاب قلم و رسانه و دیگر مهمانان در سالن اجتماعات نمایشگاه باغ موزه دفاع مقدس هم‌زمان با پنجمین نمایشگاه کتاب دفاع مقدس برگزار شد در این جلسه سردار احمد غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا و دکتر حسین اردستانی مسئول مرکز اسناد و نویسندگان آقایان عبدالمجید حیدری و مجید سانکهن جهت رونمایی از چهار کتاب زیر حضور داشتند:

۱. اطلس خوزستان در جنگ عراق و ایران نوشته ابوالقاسم حبیبی.
۲. نظریه جنگ عادلانه نوشته دکتر مصطفی زهرانی.
۳. همسفر نوشته مجید سانکهن.
۴. جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام ترجمه عبدالمجید حیدری.

در این جلسه ابتدا دکتر حسین اردستانی و سپس نویسندگان و در پایان جلسه سردار احمد غلامپور مطالبی در حوزه دفاع مقدس بیان کردند.

جنگ ایران و عراق مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر
در ابتدای جلسه، آقای دکتر حسین اردستانی، رئیس مرکز



مراسم رونمایی چهار کتاب تازه منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در پنجمین نمایشگاه کتاب دفاع مقدس، ۱۳۹۳/۷/۸

جنگ، سقوط فاو و موضوعاتی از این قبیل پرداخته است. اهل پژوهش می‌توانند در این حوزه از این کتاب استفاده کنند. ورود مرکز به بخش ترجمه و بی‌نیازی از منابع مستشرقین چهار سال است که مرکز وارد بخش ترجمه شده است. تا به حال در ایران سنت علوم انسانی بر آن بوده که در بسیاری از بخش‌ها توان خود را صرف ترجمه کتاب‌های بیرونی کند. اینجانب به عنوان معلم یا استاد درس تحول سیاسی اجتماعی ایران در دانشگاه بهشتی - که سال‌ها به تدریس این درس پرداخته‌ام - هنگام مراجعه به منابع بایستی به سراغ منابع مستشرقین می‌رفتم. ما در جنگ عراق و ایران به یمن مرکز پژوهشی دفاع مقدس در خصوص آثار و سیر جنگ کتاب‌های مهمی را منتشر کرده‌ایم که قابل استفاده در مراکز پژوهشی و دانشگاهی است. امروز جامعه ایران برای پی‌بردن به سیر تاریخ جنگ نیاز به منابع غربی شرقی ندارد، بلکه آنها نیاز دارند که از منابع اصلی ما استفاده کنند.

راه‌اندازی سایت مرکز

ایشان در ادامه عنوان کردند که سایت مرکز چهارشنبه رونمایی آزمایشی شده و در آینده نزدیک به‌طور رسمی

می‌گفت من حاضرم. برای مرکز زحمت بسیار کشید. ما راویان در مرکز مرهون و مدیون زحمات او برای پیشبرد اهداف و مأموریت‌هایمان بودیم

چهارمین کتاب، جنگ عراق و ایران از دیدگاه فرماندهان صدام است. ما حدود سه، چهار سال است که با حضور آقای حیدری در مرکز پا را از حد خود فراتر نهاده، وارد بحث‌های ترجمه شده‌ایم. تا قبل از اینکه آقای حیدری به مرکز اسناد بپیوندند، مرکز یک یا دو ترجمه منتشر کرده بود؛ یکی جنگ ایران از نگاه ابوغزاله و دوم جنگ خلیج فارس. بعد از آن. دیگر کار ترجمه نداشتیم. آنچه در مرکز ترجمه شد مرهون زحمات، مدیریت، دلسوزی و وجدان کاری ایشان است. هدف مرکز از ورود به این بخش این بود که جنگ را از نگاه عراقی‌ها ببیند

امریکایی‌ها با ژنرال حمدانی - که در سال ۱۳۶۶ فرمانده لشکر گارد بود - مصاحبه کردند. تأکید من این است پس از سقوط صدام امریکایی‌ها برای پی‌بردن به زوایایی از جنگ عراق و ایران می‌خواستند اطلاعات بیشتری از ایران به دست بیاورند، به همین دلیل با وی گفت‌وگو کردند. این کتاب حاوی مطالب ارزشمندی برای پژوهشگران است و به مقاطع گوناگون جنگ و موضوعاتی مثل پایان

صدام، آخر کار، صدام را مستبد و دیکتاتور می خوانند و به نوعی تخطئه اش می کنند و می گویند رفتار صدام نشان دهنده فلسفه فکری او است، او به خشونت اعتقاد داشت.

حمدانی همچنین می گوید که جاه طلبی صدام و شخصیت خشن او همه چیزهای خوب را در عراق خراب کرد.

نکته مهم مشترک در صحبت های این فرماندهان اعتراف به شکست می باشد. اغلب نویسندگانی غربی

که در مورد جنگ ایران و عراق مقاله می نویسند، می گویند که عراق پیروز جنگ بوده و ایران شکست خورده است. آنان بیشتر به پیشروی های آخر جنگ استناد می کنند، لیکن خود همین ژنرال ها در مواردی اعتراف می کنند که ما در جنگ شکست خوردیم.

آقای حمدانی شکست خرمشهر را ضربه سیاسی بزرگی برای عراقی ها می داند و از نظر وی بازپس گیری خرمشهر به معنای آن بود که امکان سقوط بصره نیز وجود دارد. وی در جایی می گوید جنگ همه توان ما را

تحلیل برده بود و اعتقاد داشت با توجه به اینکه جمعیت ایران ۳ برابر عراق بوده به راحتی توان اداره جنگ طولانی را داشت. وی همچنین اذعان می کند که تا پایان سال ۱۹۸۷ ایرانیان عملاً جنگ را برده بودند، اما صدام نمی خواست این موضوع را بپذیرد.

کمک اطلاعاتی و ماهواره ای امریکا به عراق

ژنرال مکی می گوید آغاز جنگ متعارف با ایرانیان اشتباهی بود که همه مرتکب آن شدیم و شکست را برایمان به ارمان آورد. ژنرال های عراقی به صراحت به شکست

انتظار بر این است که کتاب علی القاعده اقدامات امریکا و عراق را توجیه کرده باشد، لیکن در لابه لای گفت و گوها مطالبی بیان شده که به نوعی مواضع جمهوری اسلامی را تأیید می کند. بخش اول کتاب حاوی نکات بسیار خوبی درباره مسائل تاکتیکی راهبردی سیاسی و عملیاتی است و یافته ها و نتیجه گیری های خوبی دارد در واقع یک مقاله تمام و کمال در مورد جنگ ایران و عراق است. توصیه می کنم دوستان مقدمه را با دقت بخوانند. در مقدمه کتاب، امریکایی ها می گویند این جنگ به دلایل مختلف باید مورد مطالعه و تحقیق قرار بگیرد. این گفته را مقایسه کنید با نظر بعضی از دوستان داخل کشور که می گویند جنگ دیگر تمام شده و باید به موزه تاریخ سپرده شود.

اعتراف ژنرال های عراقی به شکست در جنگ با ایران

از جمله مطالب بیان شده در کتاب توصیف رزمندگان اسلام است. ژنرال مکی می گوید: ایرانیان رزمندگان خوبی هستند که برای دستیابی به هدفشان بسیار پافشاری می کنند، از مرگ نمی ترسند، به رهبرانشان وفادارند. وی همچنین اذعان می کند که نیروهای ایرانی نیروهای نامتعارف و پرتعدادی بودند که روحیه بالایی داشتند. آنها عملیات عبور از رودخانه را بسیار خوب طراحی و از تاریکی شب استفاده می کردند. جایی دیگر نیز می گوید: چون نیروهای ایران نامتعارف بودند و کلاسیک نمی جنگیدند وقتی ۱۵ یا ۲۰ نفر هم از آنها باقی مانده بود باز هم از حمله دست نمی کشیدند.

در مورد امام از آقای حمدانی می پرسند اگر امام آتش بس را نمی پذیرفت و به جنگ ادامه می داد به نظر تان چه اتفاقی می افتاد؟

وی بلافاصله می گوید: تازه اشتباه صدام را مرتکب می شد و کشور خودش را بدبخت می کرد. صدام کشور ما را خراب، ویران و بدبخت کرد. بنابراین تصمیم شجاعانه و هوشیارانه امام حتی مورد تأیید دشمن نیز می باشد. تقریباً همه این ژنرال ها ضمن تعریف و تمجید از

کتاب جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام شامل یک مقدمه طولانی و گفت و گو با پنج ژنرال عراقی است.

حضور داشتند. چگونگی تحول ایشان برای من بسیار جالب بود، دائماً متحول‌تر می‌شدند مانند سنگی که مرتباً تراش می‌خورد. تا اینکه به نقطه پایانی و نقطه رحلت و شهادتشان می‌رسند. نقل قولی هم از همسر بزرگوار ایشان کنم. وقتی از ایشان سؤال می‌شود شما آقای موسوی را قبل از مجروحیت بیشتر دوست داشتید یا بعد از آن؟ ایشان می‌گویند: بعد از مجروحیتش، به دلیل اینکه متحول‌تر و اصلاً آدم دیگری شده بود.

توفیق داشتیم این بضاعت اندکمان را در حوزه نگارش در اختیار این شهید بزرگوار قرار دهیم. امیدواریم که حضرت حق از ما بپذیرد. در پایان لازم می‌دانم از حمایت‌های بی‌شعبه جناب آقای دکتر اردستانی و عزیزانی چون آقایان نیازی، نصرتی، فراهانی، رخصت‌طلب و جناب آقای محسن رشید که از نظر حسی در این کار کمک بسیاری به من کردند و راه‌های زیادی را برای من هموار کردند تشکر کنم. همچنین از خانواده محترم شهید موسوی و همسر بزرگوارشان سپاسگزارم.

در ادامه، آقای سوری، مجری برنامه، ضمن تشکر از آقای سانکهن و سایر نویسندگان، از سردار سرتیپ پاسدار احمد غلامپور، فرمانده قرارگاه کربلا، درخواست کرد به جایگاه آمده، با صحبت‌های خود حضار را مستفیض کنند و ایشان سخنان خود را چنین آغاز کردند: درود می‌فرستیم به روح پرفتوح همه شهیدان به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس. ابتدا لازم می‌دانم از همه عزیزان زحمتکش در مرکز، به‌ویژه جناب آقای دکتر اردستانی تشکر ویژه داشته باشم، به دو دلیل: اول، به دلیل زحمات شبانه‌روزی که خود از نزدیک شاهد این زحمات در تبیین مسائل و موضوعات مختلف دفاع مقدس و نشر فرهنگ دفاع مقدس به نسل حاضر و مخاطبین هستیم؛ دوم، به دلیل اینکه این فرصت را برای بنده ایجاد کردند که در خدمت جمعی از عزیزان اهل قلم و محققان و پژوهشگران حوزه دفاع مقدس باشم. معمولاً در هر حادثه و اتفاق تاریخی به میزانی که از عمق و عظمت و بزرگی

الگویی برای مراکز پژوهشی دیگر باشد؛ ادبیاتی بینابینی و دوجبهی که هم وجه پژوهشی و هم وجه دراماتیک و داستانی دارد. در حال حاضر، در دنیا هم در حوزه پژوهش، ادبیات بینابینی دنبال می‌شود که هم مستند است و هم ادبیات در آن ایفای نقش می‌کند. مرکز در این حوزه کارهای موفقی منتشر کرده است؛ خرمشهر در جنگ طولانی، نبرد الامیه و نبرد فاو. اینها کارهایی است که می‌شود به‌عنوان ادبیات بومی و اختصاصی مرکز به دیگران ارائه داد. بنده سعی کردم در این کار از تجارب مرکز استفاده کنم.

شهید موسوی ماحصل فرهنگ انقلاب اسلامی

وقتی با زندگی شهید موسوی ارتباطی غیرمستقیم برقرار کردم، دریافتم که ایشان ماحصل فرهنگ انقلاب اسلامی است، فردی که در جریانات انقلاب اسلامی متحول شده است. وی در ابتدا اصلاً با حوزه مذهب، انقلاب و حوزه‌های اعتراضی ارتباطی نداشت و منشأ تحول ایشان شخصیت حضرت امام بوده است. در سال ۱۳۵۹ - ۱۳۵۸، انرژی بسیار زیادی را در وجودش حس می‌کند که نمی‌تواند آن را مدیریت کند. به چند دکتر مراجعه می‌کند و پزشکان به ایشان می‌گویند که شما بیماری روانی دارید و بایستی خود را درمان کنید. با شروع جنگ، ایشان به‌عنوان راننده به جبهه می‌رود و وارد حوزه دفاع مقدس می‌شود. دو نفر از همکاران مرکز، آقای زمان‌زاده و رنجبر نقل کرده‌اند که در سال‌های آغازین جنگ به مراکز مربوط مراجعه کردیم تا برای مرکز ماشین بگیریم و مسئولان آنجا گفتند ما ماشین را با راننده می‌دهیم. اولین راننده‌ای که دیدیم، شهید موسوی بود. ایشان ظاهری کاملاً متفاوت با رزمندگان داشت؛ موهای بلند، ریش‌های بسیار کوتاه، یقه باز و... تپش طوری بود که یکی از دوستان گفت او را نبریم به درد این کار نمی‌خورد. در هر حال، ما ایشان را بردیم، فکر می‌کردیم هنگام عملیات ایشان می‌رود و ماشین می‌ماند، ولیکن ایشان تا زمان جانبازی‌شان در جبهه

تحمیلی یا هر چه از آن نام می‌بریم - که خودش هم یک سردرگمی است - واقعاً تکلیفمان روشن نیست که از این حادثه بزرگ با چه عنوانی یاد کنیم؟ آن را جنگ تنها بنامیم؟ جنگ تحمیلی بگوییم؟ دفاع مقدس بگوییم؟ چه بگوییم؟ کدام وجهش درست است؟ همه این تعابیر درست است؟ اگر همگی درست هستند آیا مرزبندی بین آنها صورت گرفته است؟ لذا این سردرگمی که امروز ما در دو بخش واژه‌های کلیدی و اساسی دفاع مقدس با آن مواجه هستیم کار ما را بسیار سخت می‌کند. در حوزه دفاع مقدس، کارها و تلاش‌های بسیاری انجام شده است، ولی امروز من به‌عنوان فرمانده دوران دفاع مقدس نمی‌دانم وقتی که سخنرانی می‌کنم یا قرار است مطلب یا کتابی بنویسم از این حادثه بزرگ با تعبیر جنگ تحمیلی، دفاع مقدس یا جنگ تنها یاد کنم؟ چه عنوانی را به کار بگیریم؟ چه بگوییم؟ این مسئله مهمی است. اینها جزء واژه‌های کلیدی و اساسی ورود در این حوزه می‌باشند.

از طرفی در ریشه‌یابی و علت‌یابی دچار سردرگمی هستیم. به‌هرحال، ما نمی‌دانیم این جنگ یک اتفاق و حادثه‌ای است که بین دو کشور همسایه به نام ایران و عراق اتفاق افتاده یا نه، یک حادثه‌ای است که عمق بیشتری دارد؟ وقتی این دو سناریو را کنار هم می‌گذاریم تازه از اینجا تناقضات شروع می‌شود، با در نظر گرفتن وجه اول قضیه می‌بینیم جنگی بوده بین دو کشور ایران و عراق که عملاً اتفاق افتاده است. اشکالی هم در هیچ کدامشان به آن معنا وجود نداشته است، ولی وقتی از این جهت نگاه می‌کنیم می‌بینیم که یک جنگی است که می‌گویند ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ آغاز شده و تیرماه ۱۳۶۷ با قبول یک قطعنامه از طرف دو کشور درگیر در جنگ تمام شده است.

علت جنگ چه بوده؟ همان اختلافات مرزی است؟ اما اگر با نگاه دوم ببینیم تفاوت‌های بعضاً فاحشی وجود دارد. اولاً، جنگ ۳۱ شهریور آغاز نشده، جنگ ما با آمریکا از بدو پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده، حوادث بسیار زیادی قبل از تهاجم سراسری صدام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ اتفاق افتاده که همه آنها شبیه جنگ است که ما

آن حادثه شناخت پیدا کنیم می‌توانیم در تبیین دقیق و انتقالش به مخاطب موفق باشیم.

تسخیر لانه جاسوسی انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول

به خاطر دارم زمانی که در سیزده آبان سال ۱۳۵۸ وقتی حادثه اشغال لانه جاسوسی اتفاق افتاد، دو برخورد صورت گرفت؛ یک برخورد از طرف دولت موقت بود که این موضوع را اقدامی غیردیپلماتیک و اقدامی که در عرف بین‌المللی یک عمل خلاف تلقی می‌شد، می‌پنداشتند و آمدند و استعفا دادند و یک نگاه هم نگاه امام بود که این نگاه بسیار عجیب و استثنایی بود و در آن زمان و مقطع خیلی‌ها متعجب و شگفت‌زده شده بودند از تعبیری که امام در مورد این حادثه به کار بردند - در حالی که انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حادثه بزرگ تلقی می‌شد و به‌عنوان حادثه‌ای که نه تنها یک رژیم استکباری و طاغوتی را ساقط کرده، بلکه ملتی را احیا کرده بود و این همه آثاری که در خارج از حوزه جغرافیایی ایران ایجاد کرده بود - امام درباره حادثه لانه جاسوسی فرمودند:

"این انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول بود" و این بسیار موضوع مهمی بود. بعضی‌ها آن را نفهمیدند. بعدها معلوم شد که کشتی انقلاب با همه عظمتش یک حفره‌ای در آن ایجاد شده که اگر این حفره بسته و دیده نمی‌شد چه بسا کشتی انقلاب با همه بزرگی و عظمتش غرق می‌شد. بنابراین، شناخت حوادث و اتفاقات بسیار مهم است.

اهمیت تعریف واژه‌های کلیدی و مرزبندی دقیق میان آنها

من فکر می‌کنم امروز ما در موضوع دفاع مقدس، یا جنگ

در کتاب نظریه جنگ عادلانه جنبه‌های اخلاقی و انسانی جنگ به لحاظ نظری بیان شده و مقایسه‌ای هم بین جنبه‌های اخلاقی و عدالت در قوانین بین‌المللی و اندیشه‌های سیاسی غرب انجام شده است.



مراسم رونمایی چهار کتاب منتشر شده مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در پنجمین نمایشگاه کتاب دفاع مقدس، ۱۳۹۲/۷/۸

آن طرفی می‌گویید به درک واصل شد. این طرف خاکریز با آن طرف خاکریز، چه شرایطی دارد؟ چه وضعیتی حاکم است که این طرف را با این همه ویژگی برایش ارزش قائل‌اید و آن طرف را این گونه باطل و طرد می‌دانید؟ بنابراین، من فکر می‌کنم یک مشکل اساسی ما این است که با وجود این همه زحماتی که در حوزه دفاع مقدس کشیده می‌شود، هنوز نتوانسته‌ایم یک مرزبندی دقیق بین واژه‌های کلیدی جنگ ایجاد کرده، آنها را به‌طور صحیح تعریف کنیم.

واقعیت این است که وقتی درباره جنگ تحمیلی بحث می‌کنیم، منظورمان اتفاقی است که از طرف دشمنان بر ما تحمیل شده است. بنابراین، در حوزه جنگ عموماً از خشونت، جنایت، تجاوز و برخوردهای آن‌چنانی دشمن، اما در حوزه دفاع مقدس عموماً از شهادت، ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی حرف می‌زنیم. متأسفانه بخش زیادی از توان و انرژی ما صرف پاسخ‌گویی به سؤالات و ابهاماتی می‌شود که از جای دیگری برای ما ایجاد شده است، مثلاً چرایی ادامه جنگ بعد از حادثه آزادسازی خرمشهر. بنده یاد ندارم از سال ۱۳۶۱ که این حادثه اتفاق افتاده تا سال ۱۳۷۳ - ۱۳۷۲، کسی این سؤال را مطرح کرده باشد چرا از

در آن شهید، اسیر و مجروح دادیم. همان‌طوری که آقای ادموند ماسکی، وزیر خارجه وقت امریکا، دو یا سه ماه بعد از انقلاب اظهار می‌کند که ما سه اقدام برای مقابله با ایران در دستور کار خود داریم؛ اول، جنگ است. بنابراین، در ظاهر، متولی و آغازگر جنگ عراق است، اما تصمیم به جنگ از جای دیگر صورت گرفته است. امام در صحیفه نور می‌فرمایند امریکا برای حفظ منافع خودش به صدام دستور داد به ایران حمله کند. بالاخره جنگ از طرف صدام و بعث عراق به ما تحمیل شده یا از طرف امریکا، پشت سناریوی واقعی تحمیل جنگ امریکا است یا عراق؟ از منظر زمانی هم دچار مشکلیم. آیا از سال ۱۳۶۷ که جنگ تمام شده دفاع مقدس هم تمام شده است؟ آیا در برابر انواع و اقسام توطئه‌های دشمن این دفاع صورت نمی‌گیرد؟ آیا حوزه جنگ تمام شده است؟ بنابراین یک مشکل اساسی که ما با آن مواجه هستیم تعریف واژه‌های کلیدی است: ۱. عامل و آغازگر اصلی جنگ ۲. زمان جنگ؟ ۳. حوزه دفاع مقدس؟ امروز وقتی به دانشگاه‌ها می‌رویم دانشجو سؤال می‌کند این خاکریزی که حداکثر عرضش یک متر بوده آن طرفش یک نفر و طرف دیگرش یکی دیگر کشته می‌شود، چرا به این می‌گویید شهید اما به

